



تفسیر آیت الله جوادی آملی از آیه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ»

«لا اِکْرَاهَ» به معنای اباحی گری نیست

عدالت برای همه؛ ظلم به هیچ کس

تفسیر قرآن

سجاد موسوی زاده
خبرنگار

پنجمین کنگره جهانی حضرت رضا (ع) بعد از ۳۰ سال وقفه، امسال با محوریت نگاه تمدنی امام رضا (ع) به همت تولیت آستان قدس رضوی در مشهد برگزار شد. در مراسم اختتامیه این هم‌اندیشی بین‌المللی، پیام آیت‌الله عبدالله جوادی آملی با موضوع «عدالت برای همه؛ ظلم به هیچ کس» توسط دکتر حمید پارسائیان قرائت شد.

عدل در کلام متفاوت از عدل در فقه و حقوق است

با توجه به این که شعار پنجمین کنگره جهانی حضرت رضا (ع) «عدالت برای همه؛ ظلم به هیچ کس» بود، آیت‌الله جوادی آملی هم در پیامی که به این کنگره ارسال کرد، همین بحث را مورد تأمل قرار داد و متعاقب آن به «شان عدل در کلام و جایگاه آن در فقه و حقوق» پرداخت؛ عدل در کلام یک حساب دارد و در فقه و حقوق حساب دیگری دارد. یک عدل کلامی داریم که آیه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» (۲۵۶ سوره بقره) عهده‌دار آن است و یک عدل فقهی و حقوقی داریم که آیه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (۹۰ سوره نحل) عهده‌دار آن است. عدل در کلام، عبارت از حریت و آزادی است. انسان نه مجبور است نه مفضوف؛ انسان، آزاد است. حریت، امر بین امرین است؛ بین جبر است و تفویض. آنچه متوسط بین دو باطل است، عدل است.

انسان برای تثبیت بحث خود به آیه ۲۵۶ سوره بقره استناد کردند و گفتند که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» یک حکم کلامی است نه حکم فقهی. معنایش این نیست که انسان آزاد است هر کاری کند بلکه به این معناست که اگر بخواهد کافر شود و بد کند و به جهنم برود، آزاد است و اگر بخواهد کار خوب کند و مؤمن شود و به بهشت برود هم آزاد است؛ «در کلام امامیه که از آنها به عنوان عدلیه یاد می‌شود، روشن و ثابت شد که انسان نه مجبور است نه مفضوف؛ نه همه کارها را خدا به انسان واگذار کرد و نه حریت را از انسان مسلوب داشت.»

بر همه واجب است که عادل باشند

آیت‌الله جوادی آملی بعد از تبیین «عدل کلامی»، به تفاوتش با «عدل فقهی و حقوقی» پرداخت و متذکر شد در فقه، بر همه واجب است عادل باشند و از ظلم بپرهیزند؛ «عدل کلامی، ارتباطی با عدل فقهی و حقوقی ندارد. انسان بخواهد به بهشت برود آزاد است، بخواهد به جهنم برود آزاد است؛ اما از جهت فقهی و حقوقی به انسان می‌گویند بی‌راهه نرو. بر تو واجب است که به حق معتقد و معترف باشی و به آن عمل کنی.»

ایشان بعد از تبیین کلامی و فقهی عدل، با استناد به آیات قرآن به بحث ظلم و تبعیض آن پرداخت؛ «ظلم نسبت به همه حرام است. ظلم کردن نسبت به هر موجودی بد است حتی نسبت به سگ!»

رحمت بالاتر از عدل است

ایشان عدل را واجب «عن الله» دانستند نه «علی الله»؛ و ظلم را حرام «عن الله» معرفی کردند نه «علی الله»؛ با این توضیح که:

«عدل نسبت به ذات اقدس الهی، واجب «عن الله» است نه واجب «علی الله» و ظلم نسبت به ذات اقدس الهی، ممنوع «عن الله» است نه ممنوع «علی الله». خدا از آن جهت که حقیقتی است نامتناهی و ماوراء خدا چیزی نیست تا حاکم بر خدا باشد، نمی‌شود گفت این حکم، حاکم «علی الله» است و بر خدا واجب است که فلان کار را انجام بدهد یا بر خدا حرام است که فلان کار را انجام بدهد؛ بلکه کار قبیح «بمنتع عن الله تعالی» و کار لازم «بجب عن الله تعالی». بین «بجب عن الله» و «بمنتع عن الله» فرق است؛ «بمنتع عن الله» و «بمنتع عن الله» فرق است. عدلیه حرفش این است که عدل، واجب «عن الله» است نه «علی الله» و ظلم، حرام و ممنوع «عن الله» است نه «علی الله». ایشان شأن رحمت و احسان را بالاتر از عدل خواند و در توضیح گفت: «ذات اقدس الهی عدل محض است و فوق عدل، رحمت رحمانیه دارد نه رحمت رحیمییه. رحمت رحیمییه آن وسعت را ندارد که کار رحمت رحمانیه را کند.» و با اشاره به آیه ۵۴ سوره انعام «کَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَی نَفْسِهِ الزُّحْمَةَ» توضیح دادند: «ذات اقدس الهی نه تنها عدل را بلکه فوق عدل که احسان است و رحمت رحمانیه است را بر خود لازم کرده است که این واجب «عن الله» است نه واجب «علی الله». رحمت بالاتر از عدل است. رحمن اسم اعظم است و همه این اسماء نازله، زیرمجموعه «الله» و زیرمجموعه «الرحمن» هستند. لذا «الرحمن» صفت برای چیزی قرار نمی‌گیرد به استثنای «الله»؛ ولی «الرحیم» و امثال ذلک صفت قرار می‌گیرند.»

آیت‌الله جوادی آملی در پایان به ظلمی اشاره کرد که این روزها به مردم غزه تحمیل و باعث داغدار شدن جامعه انسانیت شده است: «ظلم بر همه حرام است! آنچه جریان غزه را به راه انداخته و همه ما را متأثر کرده است و جامعه انسانیت را داغدار کرده است، به سبب ظلم است که امیدواریم به برکت ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) جهان پر از عدل و داد شود!»

اخلاق اسلامی

آیت‌الله جوادی آملی، در آخرین جلسه درس اخلاق هفتگی خود در مسجد اعظم قم، به شرح حکمت ۱۳۳ نهج البلاغه پرداختند که فرازهایی از این جلسه را به نقل از «بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء» در ادامه می‌خوانید که در این جلسه درس به شرح و تفسیر آیه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» هم پرداخته شد و ایشان فرمودند این آیه به معنای مجاز بودن اباحی گری نیست؛ عقل و قلب ما از بردگی، بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۱

کلام امیرالمؤمنین علی (ع) این است که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ الْغَايَةُ الْمَقْشُورَةُ وَالْحَقُّ الْمُبِينُ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسُكِّرَ بِهِ نَبَاتٍ لَبِيبًا حُمْرًا وَقَسِيبًا كَمَا تَأْتِي السَّمَاءُ بِغَمَامٍ مَبِينٍ يَكُونُ لِبَاسًا لِمَن يَحْتَضِرُ لِكَلِيمٍ مَلَكُوتٍ مُّجِيبٍ يَخْرُجُ فِي الْغَمَامِ كَمَاتٍ فَتَنسِفُ السَّمَاءَ كَمَا تَسْجُدُ لِلْجِبَالِ كَمَا تَسْجُدُ لِلرَّسُولِ وَالْجِبَالُ سَوْدَاءٌ مِثْلَ الْقُرُونِ يَوْمَ الْآزْمَةِ إِنَّ اللَّهَ لَهُ الْحُكْمُ وَأَلَيْهِ يُرْجَعُ الْكُلُّ مَطْوًى»

ترجمه ظاهری این بیان نورانی است. وجود مبارک حضرت امیر(ع) در این بیان کوتاه می‌فرماید که دنیا جای عبور و حرکت است تا از دنیا که دارمتر است به دارالقرار برسد. حرکت بی هدف لغو است، حتماً حرکت باید به دارالقرار برسد.

در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

در امر به معروف و نهی از منکر یک بخش‌های اولی دارد که وظیفه همه است، نهی از منکر اولش گفتن است، تذکر دادن است، با نوع نگاه و بی‌اعتنایی کردن است، بعد جلوگیری کردن است، آن بخش‌های عملی‌اش که بخش‌های تنبیهی است، به عهده حکومت است؛ اگر واقعاً مردم نهی از منکر بخواهند بکنند، وقتی ببینند کسی دارد هتک حرمت می‌کند، حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کند، اول با نوع نگاه خودشان به این شخص، با بی‌اعتنایی به او نگاه کنند، این شخص در خیابان خودش را جمع می‌کند.

و حکمای حوزه تمدنی ایران کهن بوده‌اند. علم تنها علم نیست، امروز علم به قدرت و سلطه و سیطره بدل شده است. ما می‌توانیم برای اعتدالی علم‌مان از تاریخ اسلام الگوبرداری کنیم. در حال حاضر شاهد پیشرفت‌های شگرف در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی و کوانتوم هستیم اما در کنار این پیشرفت‌ها که ظاهری مدرن و پسامدرن دارند، بشر مدرن در حوزه معنویت، به عصر جاهلیت برگشت کرده است و می‌توان گفت در عصر تجدید شاهد پیشرفت معنویت هستیم؛ نسل کشی، کودک‌کشی و آزار زنان، هتک حرمت نهاد علم، دانشگاه و دانشجو پیشرفت نیست؛ اینها شکست تفکر غرب را نشان می‌دهد. جنگ غزه پایان تاریخ لیبرال دموکراسی غرب را به تصویر کشید؛ تمدنی که در دو سده اخیر با نیرنگ‌هایی چون آزادی، برابری، دموکراسی و دفاع از حقوق بشر ساخته بود، این روزها تمامی پت‌هایش در مقابل چشمان نظاره‌گر جهانیان و انسان‌های عدالتخواه فرو ریخت.

۲. اگر تمدنی تنها به بُعد مادی و پیشرفت مادی انسان توجه کند و از ابعاد روحانی انسان غافل شود، گرفتار همین فساد عقیده و رفتار خواهد شد و سرانجامش «جهانی بی‌تمدن» خواهد بود. همان چیزی که این روزها در نظام‌های غیردینی و سکولار و حتی کشورهای به

۳. حضور امام رضا (ع) در ایران، اراده الهی بود که باعث رشد علمی و معنوی در سرزمین ما شد. در پی این هجرت بود که ما ظرفیت‌های علمی و تمدنی‌مان را برای گسترش مکتب اهل بیت(ع) و توسعه فرهنگ

۴. حضور امام رضا (ع) در ایران، اراده الهی بود که باعث رشد علمی و معنوی در سرزمین ما شد. در پی این هجرت بود که ما ظرفیت‌های علمی و تمدنی‌مان را برای گسترش مکتب اهل بیت(ع) و توسعه فرهنگ

۵. حضور امام رضا (ع) در ایران، اراده الهی بود که باعث رشد علمی و معنوی در سرزمین ما شد. در پی این هجرت بود که ما ظرفیت‌های علمی و تمدنی‌مان را برای گسترش مکتب اهل بیت(ع) و توسعه فرهنگ

۶. حضور امام رضا (ع) در ایران، اراده الهی بود که باعث رشد علمی و معنوی در سرزمین ما شد. در پی این هجرت بود که ما ظرفیت‌های علمی و تمدنی‌مان را برای گسترش مکتب اهل بیت(ع) و توسعه فرهنگ

ذات اقدس الهی یک محرک درونی به انسان داد به نام عقل و فطرت و امثال ذلک. یک سلسله رهبران الهی فرستاد که راه را تشخیص بدهند و مردم را به راه راست هدایت کنند. عقل سراج روشنی است و در قبال این سراج، صراط و راه آفرید به نام انبیا و اولیا و پیغمبر و اهل بیت؛ اینها صراط مستقیم‌اند. سراج و چراغ کارش آن است که صراط را ببیند. از خود چراغ کاری ساخته نیست. چراغ راه نیست، قانونگذار نیست، قانون‌شناس است. قانون و قانونگذاری به وسیله صراط است. در زیارت این ذوات قدسی عرض می‌کنیم سلام بر شما ای کسانی که صراط مستقیم هستید، میزان اعمالید. مردم در دنیا دو گروه‌اند؛ یا کوشش کردند مالی تهیه کرده و خودشان را آزاد کردند یا رفاه‌طلب بودند و کاری نکردند و خودشان را فروختند و از پول خودشان لذت بردند. آنهایی که خودشان را فروختند به هلاکت رسیدند. آنها که کوشیدند خودشان را خریدند، آزاد شدند و راحت شدند. خداوند در قرآن می‌فرماید: شما به اندازه بهشت می‌ارزید. کمتر از بهشت خودتان را نفروشدید که مغبون می‌شوید.

۲. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۳. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۴. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۵. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۶. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۷. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۸. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۹. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۱۰. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۱۱. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۱۲. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۱۳. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.

۱۴. در قرآن کریم آمده است که «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این آیه شریفه، مسأله فقهی و حقوقی نیست، بلکه مسأله‌ای کلامی است؛ این آیه مبارکه یعنی جبری در عالم نیست. هیچ کاری به مسأله فقهی و حقوقی ندارد، تا یک کسی بخواهد بی حجاب راه برود بگوید «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» این «لا اِکْرَاهَ» منظور این نیست که شما آزادی هر کاری بکنی. این می‌خواهد بگوید که جبری در عالم نیست، چه اینکه تفویضی هم در عالم نیست، این یکی بهشت است، آن یکی جهنم است، کسی شما را اجبار نکرده، می‌خواهی جهنم بروی بروی! می‌خواهی بهشت بروی بروی! نه اینکه هر کاری بکنی صحیح است. بنابراین یک سلسله بحث‌های کلامی است که آیه مبارکه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» عهده‌دار آن است، نه یعنی اباحه‌گری، نه یعنی هر کاری بکنی آزاد هستی، نه! در ساختار تکوین، انسان نه مجبور است نه مفضوف. اما در ساختار حقوقی الهی به انسان عقلی داد و قلبی داد. همان طوری که شامه ما از بسوی بد منزه است، عاقله ما و قلب ما از بردگی و بد اخلاقی و خودفروشی منزه است.



برکات علمی و فرهنگی هجرت امام رضا(ع) به ایران

هجرت تمدن ساز

دکتر محمد رضا مخبر ذوقلی
رئیس فرهنگستان علوم



حضور امام رضا(ع) در ایران باعث رشد علمی و معنوی در سرزمین ما شد. در پی این هجرت بود که ما ظرفیت‌های علمی و تمدنی‌مان را برای گسترش مکتب اهل بیت(ع) و توسعه فرهنگ اهل بیت(ع) به خدمت گرفتیم



مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر ذوقلی در مراسم افتتاحیه پنجمین کنگره جهانی امام رضا(ع) است که به همت تولیت آستان قدس رضوی در مشهد برگزار شد.